

گزارش

اجرای اصلاحات شرط کمک به پاکستان است

کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست در بروکسل کمک‌های خود به پاکستان را منوط به اجرای سریع اصلاحات در این کشور کردند. وزیر امور خارجه امریکا نیز خواستار مشارکت ثروتمندان پاکستانی برای جبران خسارات ناشی از سیل شد. در روز جمعه (۲۳ مهر/ ۱۵ اکتبر) نشست «دوستان پاکستان دموکراتیک» در بروکسل برگزار شد. در این نشست ۲۶ کشور و سازمان‌های بین‌المللی حضور داشتند. یکی از موضوعات مهم در این نشست بررسی راه‌های کمک به پاکستان پس از فاجعه سیل در این کشور بود. به گزارش دویچه‌وله، «گیدو وستروله» وزیر امور خارجه آلمان، در این نشست خواستار اجرای اصلاحات دموکراتیک در پاکستان شد. وزیر امور خارجه آلمان تصریح کرد که تنها تحقق چنین اصلاحاتی امکان کمک‌های بلندمدت به پاکستان را میسر می‌سازد. وستروله در نشست بروکسل گفت: «ما آماده‌ایم در آینده نیز به پاکستان کمک کنیم، اما انتظار داریم اصلاحات به اجرا گذاشته شوند.» وزیر امور خارجه آلمان تصریح کرد ایجاد ثبات و امنیت در پاکستان همچون ایجاد ثبات برای ماست. وستروله در ادامه به حجم کمک‌های ارسالی آلمان به پاکستان اشاره کرد و آمادگی مردم آلمان برای کمک به سیل‌زدگان پاکستان را ستود. این نشست پس از گذشت سه ماه از وقوع سیل بی‌سابقه و ویرانگر در پاکستان با شرکت مسئولان اتحادیه اروپا و برخی وزیران امور خارجه کشورهای جهان برگزار شد. «شاه محمود قریشی» وزیر امور خارجه پاکستان نیز در این نشست پاسخ‌هایی به برخی انتقادات از سوی کشورهای غربی داد. سیل در پاکستان نیمی از تولیدات کشاورزی را از بین برده و کشتزارهای این کشور را تخریب کرده است.

کندی در روند اصلاحات

«هیلاری کلینتون»، وزیر امور خارجه امریکا، در روز پنجشنبه (۲۲ مهر/ ۱۴ اکتبر) ضمن انتقاد به مدیریت



فاجعه سیل در پاکستان تصریح کرد ثروتمندان در این کشور باید مالیات بیشتری برای آبادانی سرزمین خود بپردازند. نرخ مالیات در پاکستان تنها ۹ درصد است. کلینتون وضعیت موجود در پاکستان را «مطلقاً غیر قابل قبول» ارزیابی کرد. وزیر امور خارجه امریکا از ثروتمندان پاکستانی خواست به شهروندان محروم خود یاری رسانند. وی افزود این درست نیست که مالیات‌دهندگان در کشورهای اروپایی و امریکا سهم بیشتری را در این زمینه متقبل شوند.قریشی وزیر امور خارجه پاکستان، در واکنش به این انتقادات اطمینان داد که وزارت دارایی این کشور در حال بررسی یک سلسله اصلاحات در این زمینه بوده و اقدامات جدیدی از سوی دولت در دست اجراست. به گفته قریشی، سیل حدود ۵۰ درصد از تولیدات کشاورزی را نابود کرده است. کاترین اشتون مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز تأکید کرد کمک‌ها به پاکستان باید به گونه‌ای سازماندهی شود که در صورت بروز ور خدای متعال، مردم در امان بمانند. اشتون نیز خواهان تسریع روند اجرای اصلاحات در پاکستان شد. اشتون گفت: «ثبات سیاسی و اقتصادی در پاکستان خواست مشترک اتحادیه اروپا و پاکستان است.» به گفته اشتون، پاکستان به عنوان همسایه افغانستان نقش مهمی برای برقراری امنیت و ثبات در این کشور و کل منطقه دارد. کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا در مجموع بیش از ۳۲۰ میلیون یورو تاکنون به پاکستان کمک کرده‌اند. اتحادیه اروپا همچنین درصدد است ورود برخی از کالاهای پاکستانی به اروپا را بدون پرداخت هزینه‌های گمرکی فراهم کند. وزیر امورخارجه پاکستان از تسهیلات گمرکی برای تولیدات نساجی در بازار اروپا قدردانی و ابزار امیدواری کرد به کمک کشورهای اروپایی بتوان در عرصه‌های دیگر اقتصادی برای بیکاران ایجاد اشتغال کرد.

از زبانی بانک جهانی از پیامدهای سیل

بانک جهانی و بانک توسعه آسیا خسارات ناشی از سیل در پاکستان را حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد می‌کنند. این ارزیابی تفاوتی آشکار با ارقام دولتی دارد. به گفته دولت پاکستان ترمیم ویرانی‌ها نیازمند بودجه‌ای بالغ بر ۴۳ میلیارد دلار است. با توجه به درآمدهای محدود دولتی، پاکستان به کمک کشورهای خارجی وابسته است. سیل سبب بی‌خانمانی ۱۰ میلیون نفر در پاکستان شده، اما به مجموع ۲۰ میلیون پاکستانی به طور مستقیم از پیامدهای فاجعه سیل آسیب دیداند. یونیسف اعلام کرده است این سیل، سنگین‌ترین سیلی است که تاکنون در پاکستان آمده، سبلی که شدت آن در ۸۰ سال اخیر در پاکستان بی‌سابقه بود و بسیاری از خانه‌ها و جاده‌ها را ویران کرده است. جاری شدن سیل در ایالت‌های شمال غربی و شمال شرقی پاکستان ده‌ها روستای این مناطق را به زیر آب فرو برد. این شدیدترین سیل در پاکستان از سال ۱۹۲۹ تاکنون بوده است. به گفته کارشناسان اقتصادی، پاکستان به تنهایی قادر به بازسازی ویرانی‌ها نیست. برخی ناظران سیاسی تصریح می‌کنند با توجه به پیامدهای سیل، ناامنی در افغانستان و همکاری اسلام‌آباد با امریکا در نبرد علیه اسلام‌گرایان طالبان، ثبات در پاکستان شدیداً به خطر افتاده است.

انتخابات امریکا و دلهره دموکرات‌ها

اروپا باید از اوبامای تضعیف‌شده بترسد

فیلیپ استفن

ترجمه: نزهت امیرآبادیان

منتقدان اروپایی باید افکار خود را در مورد رئیس‌جمهور امریکا اصلاح کنند. حضور یک شخصیت قوی در کاخ سفید دستاویزی است که آنها به امریکا الفاظی چون ابرقدرت مغرور و خودکامه نسبت دهندولی با مشاهده یک رهبر ضعیف در کاخ سفید، واشنگتن را به کوتاهی در پاسخگویی به جامعه جهانی متهم می‌کنند و یک رئیس‌جمهور عامه‌پسند وعده می‌دهد، بنابراین منجرکننده است. من به یک حقیقت ملموس پی بردم و آن اینکه این روزها درست در حالی که اروپا نگاه خیره خود را به سوی آن‌سوی اقیانوس اطلس دوخته و سیاست‌های دولت ایالات متحده را زیر ذره‌بین گرفته است، دولت‌ها در تمامی اروپا در میان مشکلات خود دست و پا می‌زنند. هنگامی که اروپاییان در تقلا برای بازسازی اقتصاد ملی متلاشی‌شده خود بودند و بهسازی اقتصادی نیز گریبان آنها را گرفته بود، دیدن باراک اوباما سوار بر امواج محبوبیت عامه که او را به بلندای کاخ سفید رسانده و به پیش می‌راند، اروپاییان را دیوانه کرده بود. در عوض نیکلا سارکوزی، سلیویو برلوسکونی، آنگلا مرکل و سایرین نشسته بودند و بدیخی را میان خود تقسیم می‌کردند. در میانه دوره ریاست‌جمهوری اوباما، وعده‌های او به نگرانی‌های جدی حزب دموکرات تبدیل شد. بسیاری از احزاب در گریز انتخابات از صحنه گذاشتن و تأیید سخنان رئیس‌جمهور اجتناب می‌کنند و محبوبیت شگفت‌آوری که اوباما را به کاخ سفید رساند در حال پرتاب او داخل گودال‌های عمیق صفحات تاریخ است.اما اروپاییان نمی‌توانند به خاطر کاهش قدرت اوباما جشن شادی برگزار کنند. آنها درست همان اندازه که به چگونگی پیروزی اوباما حسادت کردند از بدشناسی کنونی دموکرات‌ها نیز ضربه خواهند خورد. تقریباً هر قدر که کاخ سفید ضعیف باشد زبان آن متوجه اروپا نیز خواهد شد. البته یقیناً نتیجه آرا و تصمیمات کنگره به طور مستقیم سرنوشت دموکرات‌ها را رقم خواهد زد و پیشگویی‌های کارشناسان در این میان تأثیر چندانی ندارد. گرچه گروه تی پارتی با راه‌اندازی راهپیمایی، پایگاه جمهوریخواهان را تقویت کرده است اما بی‌قاعدگی بعضی از رهبران این گروه مطمئناً رای‌دهندگان مستقل را که به هیچ حزبی وابستگی ندارند هراسان می‌کند. به هر

حال تمامی این مسائل با سیاست‌های کاخ سفید نسبتی مستقیم برقرار می‌کند و یقیناً لبه تیز اقتصاد بی‌ثبات کنونی، برای جمهوریخواهان قابل لمس است. بهترین نظریه‌پردازان دموکرات، این دوره از انتخابات نمایندگان را پیروزی میان‌مدتی برای محافظه‌کاران تندرو ارزیابی می‌کنند. نوسان و پسرقت اوباما در سال ۲۰۱۲ از هم‌اکنون به خوبی قابل مشاهده است و اروپاییان نیز که هرگز رئیس‌جمهور امریکا را به درستی نسنجیده‌اند هنوز نخستین فریادهای سرخوشی‌شان خاموش نشده که به سرعت در توهमत خود فرو رفتند. انتخاب اوباما به عنوان رئیس‌جمهور امریکا طلیعه‌ای در کار گروهی در میان کشورها در دو سوی اقیانوس اطلس پیش‌بینی شده بود. اروپاییان تصمیم داشتند اشتباهات جرج دبلیو بوش و گروه نومحافظه‌کارش را دلیل شکافی که بین دولت‌ها پدید آمده بود معرفی کنند و رئیس‌جمهور جدیدی که تمام آنها طالب آن بودند، کسی بود که تقریباً برای همه متقاعدکننده باشد و جهان بینی اروپایی داشته باشد. این رهبران در تشخیص خود شکست خورده بودند و هنگامی که هیچ کاری از دست‌شان بر نمی‌آمد، نتشستند و سیاست‌های در حال اجرا در آن سوی اقیانوس اطلس را به تمسخر گرفتند، در حالی که رئیس‌جمهوری امریکا

اوضاع سیاسی عراق و توافق برای تشکیل دولت ملی بعداز هفت ماه که از انتخابات پارلمانی این کشور می‌گذرد همچنان در پرده‌ای از ابهام است. توافق ائتلاف شیعه ملی عراق به رهبری «عمار حکیم» در هفته‌های اخیر با ائتلاف «دولت قانون» به رهبری «نوری المالکی» نخست‌وزیر کنونی عراق نیز به لحاظ عدم رسیدن به حدنصاب ۱۲۳ کرسی و شکاف در ائتلاف ملی عراق، هر چند چشم‌انداز تشکیل دولت را تا حدودی مشخص‌تر کرد اما به نظر می‌رسد این نیز پایان‌دهنده بن‌بست موجود نبوده است. از طرف دیگر عدم مشارکت ائتلاف «العراقیه» به رهبری «یاد علاوی» به عنوان جناح پیروز با کسب ۹۱ کرسی در هر گونه دولت به رهبری مالکی و همچنین سکوت معنی‌دار ائتلاف کردها با ۴۵ کرسی بر پیچیدگی وضعیت موجود افزوده است. منافع گروه‌های قومی- مذهبی، خواسته‌های حداکثری و فرقه‌ای گروه‌های سیاسی، بی‌اعتباری مولفه «ملت واحد» در پس خاکسترهای برجای مانده از جنگ‌های داخلی، نقش نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بر جغرافیای سیاسی عراق، عدم تعریف و هویت عینی مقوله «دولت- ملت در شرایط کنونی کشور، ژلاتینی بودن و گسست درونی جناح‌های موجود و نهادهینه شدن بی‌ثباتی در فرهنگ سیاسی میراث‌داران بین‌النهرین، همگی حلقه‌های یک زنجیر هستند که پارگی آن از قبل رقم خورده است. در هم ریختگی فضای سیاسی عراق و عدم توافقات پایدار و قابل اعتنا در آینده سیاسی این کشور محصول عینی یک جامعه خط‌کشی‌شده و پارادوکسیکال است که با حمله نظامی سال ۲۰۰۳ به این کشور، وحدت ملی، تمدن مشترک و منافع واقعی همه ملت‌های ساکن در این سرزمین قربانی یک توهم بیرونی و نبود یک ائترناتیو مشروع درونی شد. هم‌اکنون نیز با توجه به واقعیات موجود چند گزینه حداقلی تنها برای گام گذاشتن در یک مسیر درست یا نادرست وجود دارد که هر کدام تبعات متفاوت و گاه متناقض خود را خواهند داشت.

۱- توافق فراگیر ملی و مشکلات فراوری آن:
بهترین گزینه برای تشکیل دولت وحدت ملی توافق بین جناح‌های العراقیه، دولت قانون، ائتلاف ملی عراق و کردها خواهد بود. این گزینه مطلوب بعد از هفت ماه مذاکره و رایزنی و همچنین تلاش ایالات متحده و جامعه بین‌المللی با توجه

جهان



راهی مناطق سیاهپوست‌نشین کرده‌اند. شدت بی‌ربغیتی و ناراضیاتی سیاهپوستان امریکایی نسبت به اوباما در حالی گسترش یافته است که او و دموکرات‌های حامی او بیش از هر زمان دیگری به حمایت آنان نیاز دارند. اوضاع در میان کارگران سفیدپوست هم که زمانی به اوباما دل بسته بودند، برای او و حزب دموکرات رضایت‌بخش نیست. عمده نظر سنجی‌ها، گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس را تأیید می‌کند که گفته است کارگران سفید ناامید از اوباما و حزب دموکرات به جمهوریخواهان روی آورده‌اند، به گونه‌ای که اکنون نسبت هواداران جمهوریخواه در این طیف ۵۶ به ۲۶ است. ناظران سیاسی ۲۲ درصد فاصله میان طرفداران دو حزب در این قشر امریکا را عاملی مؤثر در پیروزی احتمالی

می‌خواست بداند که کشورهای اروپایی در چه امری با او سهمیم خواهند شد؛ آیا در کشیدن بار بحران اقتصادی با او سهمیم خواهند شد یا از ناتو در افغانستان پشتیبانی می‌کنند یا توانایی برای برقراری امنیت بیشتر در قاره خود را دارند؟ از همه بدتر آنکه رئیس‌جمهور به نسبت پیشینیان خود فاقد دوستان نزدیک در اروپاست. اوباما برای برقراری رابطه با چین و هند اولویت بیشتری قائل است. از هنگامی که دولت تصمیم به بازسازی روابط خود با روسیه گرفت اوضاع کمی بهتر شد و این تصمیم به طور گسترده‌ای مورد ستایش قرار گرفت. گرچه این اقدام باعث عصبانیت کشورهای کمونیستی سابق در شرق اروپا شده است. با این حال در امریکا تعداد اندکی هستند که این تجدید نیرو در روابط را باور دارند. سیاستگذاران ایالات متحده شکایت دارند که اروپا هنوز با تمام توان خود وارد مسائل نشده است در حالی که ایالات متحده همواره به منافع متحدانش توجه کافی داشته است. تمامی این مسائل ممکن است باعث شود مرکز ثقل جغرافیای سیاسی بیشتر به سمت شرق متمایل شود.یک تئوری در واشنگتن وجود دارد که می‌گوید اگر دموکرات‌ها، مجلس سنا یا مجلس نمایندگان را از دست بدهند اوباما بیشتر توجه خود را به سیاست خارجی اختصاص

عراق و معماهای لاینحل

اردشیر زارعی‌قناتی



سیاسی را فراهم کند. ائتلاف ملی عراق سومین نیروی تأثیرگذار در عرصه سیاسی موجود است که در هفته‌های اخیر رسماً توافق خود را با جناح مالکی اعلام کرده است ولی کش و قوس‌های هفت ماهه و حرف و حدیث‌های درونی آن گویای یک تناقض و شکاف درونی است که هرگونه وحدتی را در آینده شکننده خواهد کرد. ائتلاف کردها در این بین پراگماتیسم سیاسی را سرلوحه کار خود قرار داده و با توجه به احتیاج اجتناب‌ناپذیر هر دولتی که در بغداد تشکیل شود به مشارکت با آنان، در انتظار پاسخ به مطالبات ۱۹گانه خود و شرط‌بندی بر روی اسب برنده نشسته است. در چنین شرایطی و ترسیم آرایش نیروهای سیاسی در عراق موقعیت سلبی بر وضعیت ایجابی چریش محسوسی داشته و تشکیل دولت فراگیر ملی تقریباً در این فضای گسست و شکاف به یک امر بعید می‌ماند. به همین دلیل تشکیل دولت حداقلی، ناقض حفظ ثبات سیاسی- امنیتی عراق

یکشنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۹

دریچه

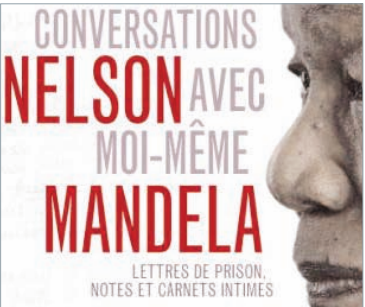
«گفت‌وگو با خویشتن» آخرین کتاب نلسون ماندلا

آخرین کتاب نلسون ماندلا «گفت‌وگو با خویشتن» نام دارد که مجموعه‌ای است از مدارک شخصی و عاطفی اولین رئیس‌جمهور سیاه آفریقای جنوبی. در متون نامه‌ها، یادداشت‌های خصوصی و گفت‌وگوهای برگزیده‌شده و دست‌نخورده در این کتاب، ماندلا تلاش می‌کند تصویر مقدسی که ناخواسته از وی در جهان پخش شده را اصلاح کند. ده‌ها هزار تن در کتابفروشی‌های حداقل ۲۰ کشور جهان مشتاقانه آخرین کتاب نلسون ماندلا را خریداری کردند.

کشف ماندلایی دیگر

این کتاب در بسیاری از کشورهای جهان به زبان انگلیسی به معرض فروش گذاشته شده است. نگاه‌های نشر کتاب پیش‌بینی می‌کنند حداقل یک میلیون نسخه از این کتاب که به ۲۰ زبان ترجمه شده است به فروش برسد و این کتاب از هم اکنون عنوان بهترین کتاب سال را نزد ناشران به خود اختصاص داده است. این کتاب در واقع دومین قسمت زندگینامه نلسون ماندلا است که همچنین دربرگیرنده کتاب «راه طولانی به سوی آزادی» که هرگز تمام نشده است نیز است. بنیاد ماندلا اعلام کرده با خواندن این کتاب انسانی را کشف می‌کنیم که در پشت شمایل شناخته‌شده جهانی نلسون ماندلا مخفی شده‌است.

در دیباچه این کتاب نوشتار باراک اوباما رئیس‌جمهوری امریکا را مشاهده می‌کنیم. این کتاب مجموعه‌ای است از گفت‌وگوهای ضبط‌شده، نامه‌ها و یادداشت‌های او در طول چند دهه مبارزه با آپارتاید. کتاب «گفت‌وگو با خویشتن» همچنین اندیشه‌های ماندلا را در برهه‌های مختلف زندگی‌اش نشان می‌دهد؛ عشق دیوانه‌وار وی برای دومین همسرش «وینی» دوران پررونق دهه ۵۰ در ژوهانسبورگ، سه دهه پشت دیوارهای زندان و مرگ پسرش تمبی در تصادف اتومبیل در حالی که وی در زندان به سر می‌برده است.



ماندلا مقدس نیست

در متون نامه‌ها، یادداشت‌های خصوصی و گفت‌وگوهای برگزیده‌شده و دست نخورده در این کتاب، ماندلا تلاش می‌کند تصویر مقدسی که ناخواسته از وی در جهان پخش شده را اصلاح کند. ماندلا در این خصوص می‌گوید: «یکی از مشکلاتی که ناراحتی عمیق مرا در زندان سبب شده بود، تصویر اشتباهی از من بود که بدون خواست من در دنیا پخش شده بود و مرا به عنوان یک وجود مقدس نشان می‌داد.» نلسون ماندلا می‌گوید: «من هرگز یک وجود مقدس نبوده‌ام، حتی بر اساس تعاریف زمینی تقدس که فرد مقدس وجودی است گناهکار که تلاش می‌کند تارسنگار شود.»

نلسون ماندلا اکنون ۹۲ ساله است. پیر و خسته به نظر می‌رسد و کمتر در مراسم رسمی شرکت می‌کند. پس از تحمل ۲۷ سال زندان در رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۰ آزاد شد و سپس در سال ۱۹۹۴ به عنوان اولین رئیس‌جمهور سیاه آفریقای جنوبی برای مدت پنج سال انتخاب شد. خواست او بر این امر قرار گرفت که برای این دور دوم ریاست‌جمهوری خود را کاندیدا نکند.

راه طولانی آزادی

«سیریل رامافوزا» یکی از مبارزان همراه ماندلا و از هزرندهانی‌های او می‌گوید: ماندلا در روز آزادی بسیار خونسرد بود. او یکی از کسانی بود که ماندلا را در مدت ۱۸ ماه تحت کنترل بودن در یک منزل مسکونی همراهی کرد. نلسون ماندلا ۱۸ ماه قبل از اینکه رسماً آزاد شود، از زندان به این ولا منتقل شده و تحت نظر نگهباری می‌شد. او در طول این مدت، بارها مجرمانه با مأموران امنیتی و اطلاعاتی رژیم آپارتاید که در حال از دست دادن کنترل کشور بود، دیدار کرد. نلسون ماندلا مشهورترین زندانی سیاسی جهان است و ۱۸ سال از این مدت را در زندان «روبن ایسلند» در میان جزیره کپ به سر برد.

ماندلا پس از آزادی خاطرات خود را در کتابی با نام «راه طولانی آزادی» به نگارش درآورد و با روحيه و سياست بخشش و گذشت، توانست قدرت سياسي برای خودش و کشورش بازسازی کند. در این کشور از یک دولت سفیدپوست به یک دولت سیاهپوست بدون جنگ و خونریزی منتقل کند. نلسون ماندلا یا «مادیبا» آن‌طور که به طور صمیمانه آفریقاییان جنوبی او را می‌نامند (مادیبا نامی قبیله‌ای ماندلا است و این نام سمبلی برای گذشت و دفاکاری در سال‌های پس از به دست گرفتن قدرت توسط ماندلا شد)، او یکی از چهره‌های استثنایی جهان امروز است که در قلب میلیون‌ها انسان به عنوان مدلی انسانی جای خود را تثبیت کرده است. به زودی قرار است مجسمه‌ای از نلسون ماندلا در مقابل فضای زندانی که وی در آن زندانی بود نصب شود.

منبع: RFI